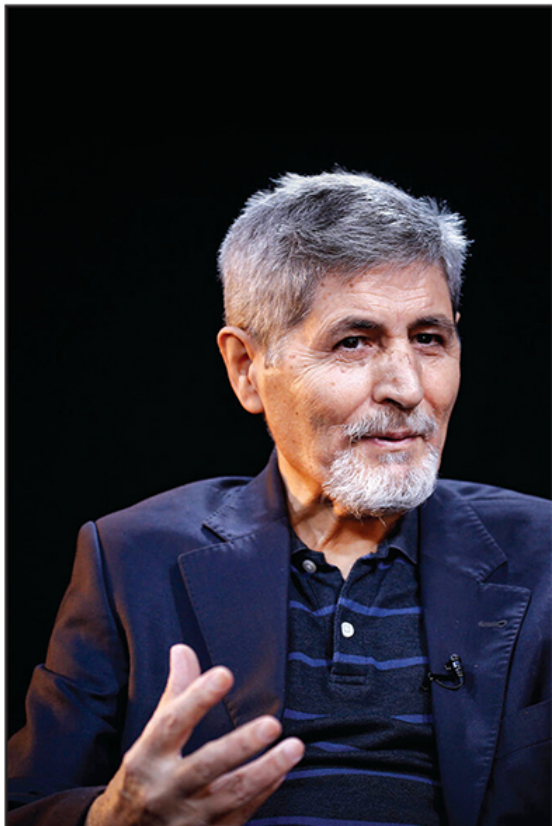

رسانه دارای تعریفی مشخص است. رسانه در مرحله نخست باید تولیدات خبری داشته باشد، دوم اینکه مخاطب داشته باشد و سوم اینکه مطالب دلخواه مخاطب را منتشر کند. صدا وسیما یک رسانه به شمار می‌رود اما رسانه‌ای نیست که همه جمعیت کشور به آن اعتماد و اعتقاد داشته باشند. بخشی از جامعه مشروعیت این رسانه پرهزینه را پذیرفته‌اند و آن را رسانه خود می‌دانند. به هر حال باید بپذیریم که صداوسیما یک رسانه پرخرج و پرهزینه است که سالانه بودجه بسیار زیادی را به خود اختصاص می‌دهد.

در سال‌های اخیر برخی از هنرمندان به دلایل مختلف از صداوسیما فاصله گرفته‌اند. این موضوع به چه میزان در ریزش مخاطب صداوسیما تأثیرگذار بوده است؟

من معتقدم تنها هنرمندان، بازیگران کارگردانان و دست‌اندرکاران سینما و تلویزیون از صداوسیما فاصله نگرفته‌اند و بلکه نیروهایی که زبان فارسی را خوب می‌فهمند، ارتباطات را می‌فهمند، روزنامه‌نگاری را می‌فهمند، پیام رسانی را می‌فهمند و برنامه سازی را می‌فهمند نیز در شرایط کنونی رابطه خود با صداوسیما کاهش داده‌اند. در چنین شرایطی صدا وسیما یک رسانه پرخرج و با کارکنان بسیار زیاد است که دارای شبکه‌های متعدد و ایستگاه‌های رادیویی زیاد است اما با ریزش مخاطب مواجه است. به عنوان مثال اگر بررسی شود که شبکه پویا نمایی تلویزیون چه میزان مخاطب دارد نمی‌توان به صورت دقیق آن را مشخص کرد. این وضعیت درباره شبکه‌های دیگر صداوسیما نیز وجود دارد و واقعا اندازه گیری میزان مخاطب برنامه‌های صداوسیما دشوار شده است. برنامه‌های صداوسیما و رادیو در صورتی موفق هستند که بتوانند مخاطبان بیشتری داشته باشند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان عنوان کرد یک رسانه عملکرد موفقی داشته است. در گذشته عنوان می‌کردند رادیو ایران مخاطبان زیادی دارد و مخاطبان به اخبار، برنامه‌های رادیویی و موسیقی آن گوش می‌دهند و از برنامه‌های آن رضایت دارند. این وضعیت درباه روزنامه‌ها نیز وجود داشت. به عنوان مثال روزنامه‌ای که ۲۰۰ هزار تیراژ دارد که این وضعیت نشان می‌دهد ۲۰۰ هزار نفر مطالب این روزنامه را دنبال می‌کنند و آن را قبول دارند. این در حالی است که در شرایط کنونی چنین وضعیتی برای برنامه‌های تلویزیون و رادیو وجود ندارد. این در حالی است که ما آمار دقیقی از میزان مخاطبان تلویزیون و رادیو نداریم و مشخص نیست که میزان استقبال از برنامه‌های تلویزیونی به چه صورت است. اگر به اطراف خود نگاه کنیم متوجه می‌شویم که میزان مخاطبان صداوسیما امیدوارکننده نیست.

در سال‌های اخیر شبکه نمایش خانگی نیز موفق شده به یک رقیب جدی برای برنامه‌های صداوسیما تبدیل شود. وجود شبکه نمایش خانگی به چه میزان روی کاهش مخاطبان صداوسیما نقش داشته است؟

بدون تردید وجود شبکه نمایش خانگی به میزان زیادی روی ریزش مخاطبان صداوسیما نقش داشته است. تنها شبکه نمایش خانگی نیست که روی کاهش مخاطبان صداوسیما نقش داشته و بلکه جریان‌های اطلاع‌رسانی دیگری نیز وجود داشته که در این زمینه تأثیرگذار بوده است. دلیل اصلی این موضوع نیز خط کشی بین خودی و غیر خودی بوده که در صداوسیما رخ داده است. این خط کشی باعث شده که برخی از مخاطبان صدا وسیما به سمت شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه نمایش خانگی و از همه مهم‌تر فضای مجازی حرکت کنند. این اتفاقی است که در کاهش مخاطبان صداوسیما نقش تعیین کننده‌ای داشته است. واقعیت غیر قابل انکار این است که فضای مجازی و ابزارهای ارتباطی نوین کار رسانه‌ها را به صورت عام و صداوسیما را به صورت خاص تحت تأثیر قرار داده است. همین موضوع سبب نگرانی‌های مسئولان صداوسیما شده است. شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر با رسانه‌ملی و دیگر رسانه‌ها رقابت کرده و در این رقابت نیز موفقیت آمیز عمل کرده‌اند. به همین دلیل باید ورود شبکه‌های اجتماعی به ایران را در وضعیت رسانه‌های کشور مهم قلمداد کرد به شکلی که فعالیت رسانه را تحت تأثیر قرار داده است. نکته مهم دیگری که وجود دارد پخش آگهی‌های بازرگانی است که تا حدود زیادی اقتصاد رسانه را تأمین می‌کند. در شرایط کنونی در شبکه‌های ماهواره‌ای آگهی‌هایی پخش می‌شود که امکان پخش آن در صداوسیما وجود ندارد. این در حالی است که اگر سیاست‌های درست‌تری در پیش گرفته می‌شد این آگهی‌ها می‌توانست در صداوسیمای ایران پخش شود و پول آن به سازمان تعلق بگیرد که به واسطه آن بتوانند برنامه‌های باکیفیت بیشتری تولید کنند. برخی از آگهی‌هایی که در گذشته در صداوسیما پخش می‌شد نیز به شبکه نمایش خانگی انتقال پیدا کرده و ما شاهد هستیم که در ابتدا، انتها و وسط سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود آگهی‌هایی پخش می‌شود که این آگهی‌ها در گذشته در صداوسیما پخش می‌شد.

> برنامه‌های صداوسیما و رادیو در صورتی موفق هستند که بتوانند مخاطبان بیشتری داشته باشند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان عنوان کرد یک رسانه عملکرد موفقی داشته است. در گذشته عنوان می‌کردند رادیو ایران مخاطبان زیادی دارد و مخاطبان به اخبار، برنامه‌های رادیویی و موسیقی آن گوش می‌دهند و از برنامه‌های آن رضایت دارند

چرا آگهی دهندگان شبکه نمایش خانگی را برای آگهی‌های خود ترجیح می‌دهند؟

هنگامی که یک سریال که از بازیگران و کارگردانان خوبی برخوردار است در شبکه نمایش خانگی نمایش داده می‌شود و مخاطب پیدا می‌کند به صورت طبیعی کسی که به دنبال آگهی دادن است ترجیح می‌دهد آگهی خود را در شرایطی در معرض دید افکار عمومی قرار بدهد که بازتاب بهتری پیدا کند. به همین دلیل نیز ترجیح می‌دهد آگهی خود را در ابتدا یا انتهای یک سریالی پخش کند که مورد توجه مردم است و با استقبال بیشتری از سوی مردم برخوردار است. صحبت از پول کمی هم نیست و بلکه هزینه‌های هنگفتی برای این آگهی‌ها گرفته می‌شود. به همین دلیل این موضوع از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است. به صورت طبیعی هنگامی که یک رسانه مخاطب ندارد در نتیجه آگهی نیز ندارد. نداشتن آگهی نیز در روند تولید برنامه‌های مختلف تأثیرگذار است و سبب کاهش کیفیت آنها از جنبه‌های مختلف می‌شود.

چرا ما به سمت ایجاد شبکه‌های خصوصی در کشور حرکت نکردیم؟ چه موانعی در این زمینه وجود داشته است؟

سال‌هاست که این موضوع به شکل‌های مختلف مطرح بوده، اما به نتیجه نرسیده است. بدون تردید اگر تاکنون شبکه‌های خصوصی در کشور ایجاد شده بود ما با غنای رسانه‌ای و کیفیت بهتر تولیدات تلویزیونی بودیم. ما در گذشته پیشنهاد دادیم برای اینکه شبکه‌های خصوصی در کشور ایجاد شود در ابتدا مجوز شبکه‌هایی غیرخبری و غیرسیاسی داده شود که حساسیت ایجاد نکند و باعث نشود عده‌ای نسبت به شبکه‌های خصوصی بدبین شوند. به عنوان مثال شبکه خصوصی در زمینه موسیقی یا محیط زیست صادر شود و متخصصان در این زمینه آثار و دیدگاه‌های خود را در این شبکه‌ها ارائه بدهند. اگر این اتفاق رخ می‌داد مشخص می‌شد که یک شبکه تلویزیونی چگونه می‌تواند روی پای خود بایستد و برنامه‌های باکیفیت نیز تولید کند به شکلی که مورد توجه افکار عمومی جامعه نیز قرار بگیرد. با این وجود به نظر می‌رسد برخی با موضوع مشکل دارند و به همین دلیل اجازه نمی‌دهند به سمت شبکه‌های خصوصی حرکت کنیم.

نگـــره

در کنار نگرانی آمریکایی‌ها از نفوذ فزاینده چین در خاورمیانه

چرا آمریکا از توافق تهران –ریاض با واسطه چین ناراضی نیست؟

دیپلمات‌های ارشد عربستان سعودی و ایران روز پنجشنبه در پکن بودند تا توافقی را نهایی کنند که درهای سفارتخانه‌ها در دو کشور را بازگشایی می‌کند، باعث از سرگیری پروازهای مستقیم بین دو کشور می‌شود و باعث از سرگرفته شدن توافق نامه‌های امنیتی و تجاری خواهد شد. این جدیدترین نشانه‌ای است که نشان می‌دهد پکن صرفا به تبدیل شدن به یک غول منطقه‌ای راضی نیست بلکه یک قدرت بزرگ جهانی است. اما دولت بایدن که آشکارا نگران نفوذ فزاینده چین در خاورمیانه است واکنشی جدی و شدید نسبت به میانجیگری چین بین ایران و عربستان سعودی از خود نشان نداده است. در حالی که برخی در واشنگتن می‌ترسند که چین در حال پر کردن خلأ ناشی از ایالات متحده باشد اکثر مقام‌های آمریکایی و سیاستمداران آن کشور نسبت به این اقدام منطقه‌ای یکن نگاهی مثبت دارند. سناتور «کریس مورفی» که هدایت پنل خاورمیانه کمیته روابط خارجی سنا را برعهده دارد می‌گوید: «نباید همه چیز بین ایالات متحده و چین یک بازی با حاصل جمع صفر قلمداد شود. روابط بهتر بین ریاض و تهران به این معنی است که درگیری کمتری در منطقه وجود خواهد داشت که احتمال کشاندن ایالات متحده به جنگ در خاورمیانه را کاهش می‌دهد. من نمی‌دانم چرا ما تصور می‌کنیم که تنش‌زدایی بین عربستان سعودی و ایران جنبه منفی دارد. دیگران دلایلی از استراتژیک تا تاکتیکی را ارائه کردند. در بالاترین سطح مشارکت بیشتر چین به این معنی است که ایالات متحده می‌تواند بر اولویت‌های امنیت ملی خود تمرکز کند یعنی دفاع از اوکراین در برابر روسیه و بازدانشتن چین از حمله به تایوان. روابط دوستانه بین ریاض و تهران همچنین به این معنی است که جنگ هشت ساله ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی علیه یمن به زودی به پایان خواهد رسید که هدفی کلیدی برای دولت بایدن است. این واقعیت که ایالات متحده هیچ روابط دیپلماتیک با ایران ندارد به این معنی است که واشنگتن نمی‌توانست میانجی روابط ایران عربستان سعودی باشد. «مارتین ایندیک» که در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ میلادی فرستاده ویژه آمریکا برای مذاکرات اسرائیل و فلسطین بوده می‌گوید: «ایالات متحده باید میانجیگری چین در توافق عربستان و ایران را به عنوان یک نتیجه برد –برد برای منافع آمریکا ببیند. مسئولیت و تقصیر هرگونه شکستی در این مورد برعهده چین خواهد بود. به نظر می‌رسد به رغم فشار بایدن برای رقابت با چین در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و فناوری عموما این استدلالی است که مقام‌های دولت بایدن نیز در محافل عمومی و خصوصی آن را پذیرفته‌اند. یکی از دستیاران دموکرات سنا که نخواسته نامش فاش شود می‌گوید قانونگذاران آمریکایی معتقدند میانجی‌گری چین بین تهران و ریاض از این جهت خوب است که خطر تشدید و درگیری هسته‌ای در منطقه را کاهش می‌دهد. با این وجود، هیچ گونه شواهد واقعی‌ای وجود ندارد که نشان دهد نقش چین در توافق عربستان و ایران به این معنی باشد که ایالات متحده به نوعی خود را از خاورمیانه دور کرده است. ژنرال «مایکل اریک کوریلا» فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده روز پنجشنبه با وزیر دفاع عربستان سعودی تماس گرفت تا در مورد همکاری امنیتی و مشارکت نظامی گفت‌وگو کند. این موضوع نشان می‌دهد که یکن در یک جنبه از سیاست خاورمیانه درگیر است، اما جایگاه آمریکا را در همه جنبه‌ها غصب نکرده است. از جمله ایالات متحده با عربستان سعودی برای عادی سازی روابط با اسرائیل، مشارکت در فضای سایبری و عملیات امنیت دریایی، سرمایه‌گذاری در اهداف زیرساختی ریاض و توسعه شبکه‌های مخابراتی پیشرفته کار می‌کند.

خبر

رشیدی کوچی:

طرح ممنوعیت ورود نماینده‌های سه دوره‌ای تنها یک پیشنهاد است

یک عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به اینکه اگر مجلس طرح دو فوریتی درباره ورود دوره‌ها را به صحن بیاورد آیا باز هم مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالفت کند تکلیف چه خواهد شد؟ اظهار داشت: به دلیل اینکه درباره ورود دوره‌های دست دوم زمان کم بود و بحث هم این بود که ممکن است اگر ما بخواهیم روی این مصوبه اصرار کنیم، بودجه به یک دوازدهم کشیده شود بنابراین همه تلاش‌های ما جه در تلفیق و چه در صحن این بود که به‌رغم تاخیر زیادی که دولت داشت بودجه را سر وقت برسانیم، به همین دلیل روی این موضوع اصرار نشد اما حتما مصوبه واردات خودرو را به سرانجام می‌رسانیم و از حق مردم کوتاه نخواهیم آمد. البته این را هم باید بگویم که الان دولت هیچ منع قانونی برای واردات خودروهای کارکرده ندارد و می‌تواند از همین فرد این کار را انجام دهد. جلال رشیدی کوچی در پاسخ به اینکه بنابراین چرا دولت خودروی دست دوم وارد نمی‌کند؟ افزود: به همان دلیلی که دارند قیمت خودرو را اضافه می‌کنند، به همان دلیلی که در ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته بدون ضابطه از صنعت خودرو حمایت کردند. وی با اشاره به مخالفان واردات خودروی دست دوم تصریح کرد: بر اساس پیگیری‌هایی که انجام دادند چند نفر از آقایان حاضر در مجمع به شدت با واردات خودروی کارکرده مخالفت کردند و تا آنجا که من اطلاع پیدا کردم آقامحمدی و میرسلیم با این مصوبه مخالفت کردند. تقاضا و خواهش ما این است که دلایل مخالفت خود را شفاف بیان کنند. عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور با اشاره به قانون انتخابات خاطرنشان کرد: ایرادات قانون انتخابات در کمیسیون در حال برطرف شدن است و به زودی در دستور کار قرار می‌گیرد. رشیدی کوچی در واکنش به اینکه گفته شده قرار است از ورود نماینده‌های سه دوره‌ای ممانعت شود، یادآور شد: طرح ممنوعیت ورود نماینده‌های سه دوره‌ای پیشنهاد یکی از نمایندگان است و باید مشاهده کنیم که آیا رأی می‌آورد یا خیر.

هشدار به تحرکات انتخاباتی محصولی

مجتبی توانگر: برنامه گروه پایداری، دوقطبی‌سازی جامعه است

مجتبی توانگر، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در واکنش به اظهارات اخیر مرتضی آقاتهرانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس و نامه او بیرامون مساله حجاب، طی نامه‌ای سرگشاده به جوانان جبهه پایداری نسبت به سخنان او واکنش نشان داد. متن این نامه به شرح ذیل است: اینکه رسانه‌های منتسب به حزب پایداری مجبور به واکنش به نوشته اینجانب به حجه‌الاسلام والمسلمین جناب آقای صدیقی شد را به فال نیک می‌گیرم، چون آن را فرصتی برای تبادل دیدگاه‌های صریح می‌دانم تا سره از ناسره تشخیص داده شود. مطلبی که سایت حزب پایداری نوشته تاکید بر این داشته است که نامه اینجانب توسل به بی‌حجابی یا رفتاری برای کسب رای حرام است و برای این مساله به بیانات اخیر رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران اشاره کرده است. سایت حزب پایداری (رجا) در مطلب خود از ارکان تشکیلات خود یعنی آقای آقاطهرانی دفاع کرده و گفته است ایشان با صراحت تمام بارهاتظر خود را اعلام کرده است و نتیجه گرفته که بنابراین ایشان دنبال رای حرام نیست بلکه اتهام زده به کسانی مثل اینجانب که با سکوت منفعلانه خود به دنبال کسب رای حرام بخشی از طبقه متوسط هستند و از رهاکردن معروف‌النهی و کمک‌کردن به منکر انتقاد کرده است. اما در پاسخ باید به چند نکته توجه کرد: در تمام مطلبی که سایت منتسب به این حزب نوشته، هیچ کجا جواب سوالات اصلی اینجانب داده نشده است که اگر واقعا این گروه، نگران حجاب و عفاف هستند چرا آقای آقاطهرانی در ۱۱ سال حضور در مجلس و ۷ سال ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس به وظیفه خود در ترویج معروف، فرهنگ حجاب و عفاف و برخورد منطقی با منکر بی‌حجابی عمل نکرده‌اند؟ بعد از شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی‌تردید آقای آقاطهرانی به‌عنوان رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، باید اولین پاسخگوی ترویج منکر بی‌حجابی و هنجارشکنان در کشور باشند. اینکه آقای آقاطهرانی اکنون مواضع‌شان را درباره حجاب اعلام کرده‌اند، آیا پاسخ‌گوی کم‌کاری و بدعمل کردن ایشان به عنوان مقام مسئول می‌شود؟ اگر امکان استیضاح نماینده مجلس بود، اینجانب حتما آقای آقاطهرانی را به‌عنوان یکی از مقصران وضع موجود، استیضاح می‌کردم تا افراد نتوانند با عوض کردن زمین بازی و انگشت اتهام گرفتن روی دیگران، فرار به جلو کنند و خود را از مهلکه پاسخ‌گویی برهانند. گروه پایداری که در مجالس گذشته اکثریت کمیسیون فرهنگی مجلس را در اختیار داشته است امروز باید به نیروهای متدین و انقلابی، پاسخگو باشد.

انتقاد از شعار مرگ بر بی‌حجاب

مطرح کردن بعضی شعارهای نظیر مرگ بر بی‌حجاب چه تناسبی با ادبیات و بینش رهبر فرزانه در مواجهه با یک پدیده فرهنگی دارد؟ در حالی که مساله این است که این حرام شرعی و سیاسی چگونه باید در جامعه اسلامی رعایت شود؟ چقدر از آن باید با کار ایجابی پیش برود، برای چه طیفی کار ایجابی و چه طیفی کار سلبی. چه طیفی تخلف انجام می‌دهند. چه طیفی سازماندهی شده عملیات می‌کنند و جرم انجام می‌دهند و با هرکدام چه برخوردی باید داشت؟ و اختلاف بعدی این است که شیوه عمل چگونه باشد که هم بازدارنده باشد و هم بهانه‌ای مثل ماجرای مرحومه خانم مهسا امینی به دشمن ندهد که به‌شدت برای آن به تعبیر رهبر انقلاب برنامه‌ریزی کرده است. بنده از همه نیروهای انقلابی عاقله‌مند و دلسوز که احساسات انقلابی و دینی دارند خواهش می‌کنم چه به این بخشی که می‌نویسم دقت کنند و از دلسوزان آنها می‌خواهم که مرا مورد نقد خود قرار دهند. چون سایت منتسب به حزب آقای صادق محصولی وارد بازی نامطلوبی شده است، مجبور هستم صریح و شفاف تحلیل این خطرناک را از انتخابات پیش رو علنی و افشا کنم. البته پیش از آن ضرورت دارد عرض کنم سایتی که انتسابش به جناب آقای محصولی عیان است. اما تلاش می‌کند با انتساب جعلی خود به رئیس‌جمهور از اعتبار ایشان ارتزاق کنند درحالی که این حزب بیشترین فاصله را با مواضع اجتماعی رئیس‌جمهور دارد. نگاهی به صحنه مواضع این حزب و سابقه رفتار سیاسی آنها در انتخابات‌های گذشته نشان می‌دهد که برنامه این گروه، دوقطبی‌سازی جامعه، دور کردن بخش قابل توجهی از مردم از نظام و صندوق‌های رای و پایین آوردن سطح مشارکت و پیروزی در یک انتخابات با مشارکت حداقلی است و اسم مزخرفی این عملیات نیز عبارت‌هایی از قبیل «دفاع از ارزش‌ها»، «مواضع صورتی» و امثالهم است. موضوع چندان پیچیده نیست فقط کافی است به آن فکر کنیم. چه کسی از اینکه مردم در انتخابات شرکت کنند، بیش‌ترین ضرر را می‌کند؟ بهترین راه برای رسیدن به اینکه هم کاهش مشارکت درست کنی و هم بین رای دهندگان باقی مانده، صاحب رای شوی، چیست؟ اینکه با اسم ارزش‌ها و دین دو قطبی درست کنی و مردم را از سر ناراضایتی از حضور در سرصندوق‌ها دور کنی و همزمان خود را دلسوز ارزش‌ها نشان دهی. در این مسیر هم چنان به همه برجسب بزنی که مارپیچ سکوت درست شود و کسی از نیروهای انقلابی جرات نکند، ادبیاتی تولید کند که ارزش‌های دین و انقلاب باید با شیوه عقلانی و موثر پیگیری شود؛ بنابراین خیلی ساده معلوم می‌شود کسانی دنبال رای حرام هستند که به‌جای پاسخگویی دربرابر وظایفی که به‌عهده داشتند، با دوقطبی‌سازی با نام ارزش‌ها، دنبال مشارکت حداقلی و پیروزی در انتخابات هستند. این مساله پروژه‌ای است که فقط درباره حجاب و عفاف صورت نگرفته است. از ابتدای عملکرد مجلس مروری کنیم به تخریب‌هایی که علیه مجلس صورت گرفته است. در همه آنها ردپای این گروه اقلیت، روشن است؛ ماجرای مخالفت با قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌های هسته‌ای، صیانت، رای ندادن به قانون شفافیت، رای ندادن به طرح حمایت از افشاگران فساد توسط افراد، افراد منتسب به این گروه بودند. یکی از آخرین موارد هم مخالفت این گروه با انتخابات تناسبی برای کلانشهرها بود که اگر رای می‌آورد یا بتواند رای بیاورد، حتما باعث مشارکت بالا در انتخابات می‌شود و این حزب، خلاف سیاست‌های رهبری مبنی بر راهبرد رقابت در انتخابات، با آن مخالفت می‌کند و دیگری مخالفت شدید آن‌ها با لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» است که لایحه‌ای مورد حمایت دولت انقلابی است و از مطالبات چند ماه پیش رهبر معظم انقلاب از مجلس برای قانون‌گذاری در این زمینه است و بعد از اغتشاشات اخیر، نگاه و باور نظام اسلامی به زن را نشان می‌دهد که باعث آشتی خیلی از بانوان با نظام می‌شود. اما این طیف طبق همان دستورالعمل سیاسی، احساسات نیروهای متدین را جریحه‌دار می‌کند و برای عدم تصویب آن تمام تلاش خود را به‌کار برده است؛ و در حالی که رئیس‌جمهور نیز دستورات لازم را برای رفع ابعادی از فیلترینگ داده است، اما این گروه همچنان مقاومت می‌کند. چه ضرری می‌کنند اگر این قوانین که باعث افزایش سرمایه اجتماعی مردم با نظام می‌شود، در مجلس رای بیاورد؟ همه این‌ها را نوشتم تا جریان انقلابی به‌جای تحلیل‌های سطحی این گروه اقلیت، عمیق‌تر تحلیل کنند که منفعت رای بیشتر برای چه کسانی است؟ کسانی که با شیوه‌های منطقی دنبال پیاده‌سازی ارزش‌ها هستند و حاضرند توسط جریانی سوپر انقلابی، برچسب بخورند و رای خود را در انتخابات پیش‌رو به‌خطر بیندازند، یا کسانی که از احساسات آنها دنبال نردبان درست کردن برای صندوق رای در انتخابات مشارکت حداقلی هستند. البته همه بدانند که دیگر این شیوه پاسخ نمی‌دهد و به لطف خداوند و تدبیرهای رهبر معظم انقلاب هم مردم در انتخابات مشارکت بالا خواهند داشت و هم نیروهای انقلاب فرق بین دلسوز واقعی ارزش‌ها و هزینه‌سازها برای ارزش‌ها را می‌شناسند. جریان بی‌کارنامه‌ای که کفایت و صلاحیتش عیان شده، تنها و تنها یک «دارایی انتخاباتی» دارد و آن «دوقطبی بر سر حجاب و مشارکت پایین» است اینها می‌دانند که در فضای غیر دوقطبی و مشارکت بالا از عرصه انتخابات حذف خواهند شد.